

پرسش ۵۱۸: آیا امام مهدی (ع) در علم فقه و قرآن از همه مردم داناتر است؟

السؤال / ۵۱۸: (هل المهدي سيكون أعلم الناس بعلوم الفقه والقرآن، أم أنه قائد للمسلمين؟). وهذا ما نحتاج في رأيي القول إن المرجع الشيعي غير السني، أو إن هناك مرجعيات خاطئة وأخرى صحيحة غير صحيح. والسبب بسيط؛ لأن الاختلاف منهجي وليس عقائدي.

سؤال / ۵۱۸: (آیا مهدی داناترین مردم نسبت به علوم فقه و قرآن خواهد بود، یا وی رهبری برای مسلمانان است؟) وآن چه به نظرم بدان احتیاج داریم، این که مرجع شیعی است و نه سنی، یا این که مرجعیات اشتباهی وجود دارد و بعضی از صحیح‌ها غیر صحیح است. و علت ساده است، چون اختلاف در روش است و در عقاید نیست.

كلنا نصلي ونصوم ومن زاد فله أجره ولا نعرف أحد من العلماء اختلف في هذا لهذا القول إن المهدي سيكون المرجع الوحيد أو الفقيه الذي سيفسر لنا القرآن وما خفي منه وتكون حجة على الناس كلام غير باطل. نحن نحتاج لقائد .. فقط لا غير.

همه ما نماز می‌خوانیم و روزه می‌گیریم و هر فردی که بیشتر انجام دهد پاداشش برای اوست، و کسی از علما را نمی‌شناسیم که در این به این که قائل باشد که تنها مرجع و یا فقیهی خواهد بود که قرآن را برای ما تفسیر کند و آن چه که از آن مخفی است و بر مردم حجت خواهد بود این سخن باطلی نیست. ما فقط به رهبر نیاز داریم نه چیز دیگر.

القول إن أعلم الناس أولاهم بالخلافة، غير صحيح. والقول إن الإمام أو المهدي سيكون عالم وبعلمه يحكم غير صحيح .. والدليل إن من سبقوه من أجداده لم يستطيعوا حتى تفسير القرآن.

اولی ترین مردم به خلافت داناترین آن هاست یک سخن غیر صحیح است. و این که امام و یا مهدی یک عالم خواهد بود و با علمش حکومت می کند یک سخن نادرستی است... دلیلش این که اجداد قبل از وی حتی نتوانستند قرآن را تفسیر کنند.

سمعنا من بعض الإخوة المجتهدين أن لهؤلاء الناس الهام أو ما يسمى محدثون .. والصوفية لهم اجتهادات، يقول ابن خلدون إن الفرق بين الساحر أو المنجم وبين الصالح أن الأخير يعطي بركة من السماء، أما المنجم أو الساحر يسرقها من السماء .. وفي كلا الحالتين لا قيمة لها. والشياطين كانت تسرق الأخبار، ولا تدل على أن هناك قوة وراء هذا الكون.. ورب فوق العباد.

از بعضی از برادران مجتهد شنیدیم که برای این مردم الهام است یا آنچه محدث نامیده می شوند... صوفیه اجتهاداتی دارند، ابن خلدون می گوید: فرق بین ساحر یا منجم و فرد صالح این که فرد آخری برکتی از آسمان می دهد، اما منجم یا ساحر از آسمان سرقت می کنند... و در هر دو حالت برای آن ارزشی نیست. و شیاطین خبرها را به سرقت می بردند، و دلالت نمی کند که یک نیرویی پشت این جهان باشد ... و پروردگاری بالاتر از بندگان.

اختلفت المذاهب الدينية والأديان، واختلافها لم يكن بقصد التقرب لله مع الأسف بل لطلب الدنيا. الناس تقرأ آية الكرسي ويأسين والمعوذات والأدعية وتتقرب لقبور الصالحين لأمر دنيوي لا قيمة لها، عندما ابتلى الله أيوب (ع) لم يطلب أيوب من الله أن يرفع عنه العذاب ... وعندما ألقى إبراهيم بالحفرة ليحرقوه لم يطلب إبراهيم من الملائكة التي عرضوا عليه أن يساعده، وعندما قال أهل مكة لمحمد عليه الصلاة والسلام اقلب لنا الصفاء ذهب ونؤمن بك جاءه جبريل وقال إن أردت أن أقلبها ذهباً فعلت لكنه رفض.

ادیان و مذاهب دینی با یکدیگر اختلاف دارند، و اختلاف آن ها متأسفانه به قصد نزدیکی به خداوند نیست، بلکه برای طلب دنیاست. مردم آیه الكرسي و یاسین و معوذات و دعا را می خوانند و به قبور شایستگان نزدیک می شوند، همه این کارها برای

امور دنیوی است و هیچ ارزشی ندارد، وقتی خداوند ایوب(ع) را به بلا دُچار نمود، ایوب از خداوند درخواست نکرد تا عذاب را از او بردارد... و زمانی که ابراهیم را در حُفره‌ای انداختند تا وی را بسوزانند، ابراهیم از فرشتگانی که خدمت او رسیدند نخواست تا به وی کمک کنند، و زمانی که اهل مکه به محمد(ص) گفتند: صفا را برایمان تبدیل به طلاکن تا به شما ایمان بیاوریم، جبرئیل نزد ایشان آمد و عرض کرد: اگر می‌خواهی آن را به طلا تبدیل می‌کنم، ولی ایشان نپذیرفت.

الفرق بين الدين الإسلامي والدين اليهودي أن الإسلام مدعوم من الملائكة، لهذا نحن لا نعلق الصور بمجالسنا، أما الدين اليهودي ومعجزاته كانت مدعومة بالجن والشياطين وكان لسليمان مملكة بقوه الجن بأمر الله، كان الهدف أن نعرف جميعنا قوة الجن والشياطين من ثم نعرف قوة الملائكة ونعرف أن الله أقوى منهم، لكن هؤلاء الجن والشياطين وأغلبهم كفره والكثير منهم على دين موسى عندما رأوا الملائكة تنصر محمد عليه الصلاة والسلام هربوا إلى غير رجعة.

فرق بین دین اسلام و دین یهودی این که اسلام از سوی فرشتگان پشتیبانی می‌شود، به همین خاطر ما در مجالس خود عکس نصب نمی‌کنیم، اما دین یهود و معجزات آن را جن و شیاطین پشتیبانی می‌کردند و برای سلیمان به دستور خداوند با نیروی جن مملکتی بود، هدف این است که همه ما نیروی جن و شیاطین را بشناسیم، و سپس نیروی فرشتگان را بشناسیم و بدانیم که خداوند از آنان نیرومندتر است، ولی بیشتر این جن‌ها و شیاطین کافر هستند و بیشتر آنان به دین موسی هستند، و زمانی که دیدند فرشتگان محمد(ص) را یاری می‌دهند، بدون اینکه بازگردند فرار کردند.

الإيمان بالله وتوحيده وترك أمور الدنيا وعدم الدعاء لأغراض دنيوية تبعد الإنسان عن الله، الله يعطي هؤلاء وهؤلاء وما كان عطاء ربك محضوراً (كذا). أفضل الدعاء طلب رضا الله، وأقبحها طلب الدنيا، الله خلق الموت والحياة ليبلونا أيها أحسن عملاً.

ایمان به خداوند و توحیدش و ترک امور دنیا و عدم دعا برای اهداف دنیوی، انسان را از خداوند دور می‌کند، خداوند هم به آنان می‌دهد و هم به این‌ها. و بخشش پروردگارت تمامی ندارد، بهترین دعا کسب رضای خداوند است، و ناپسندترین آن طلب دنیاست، خداوند مرگ و زندگی را آفرید تا ما را بیازماید که کدام یک از ما بهتر کار می‌کنیم.

لقد فتن الجن والإنس؛ لأنه يريد أن يصطفي خيار البشر، لا فضل لعربي ولا عجمي (كذا) ولا انسي ولا جني، بل هي مشيئة الله يعطيها من يشاء. التوحيد والحنفية هي عامود الدين والصلاة عبادة ومن صلى لدنياه فهو عبد لدنياه .. لن يغير الله ما في قوم حتى يغيروا ما في أنفسهم.

جن و انس مورد آزمایش قرار گرفتند، چون خواستند که بهترین بشر را انتخاب کنند، فضیلتی برای عرب و عجم نیست، و نه انسان و نه جن، بلکه این خواسته خداوند است که به هر فردی بخواهد می‌دهد. توحید و یگانه پرستی ستون دین است و نماز عبادت است و هر فردی برای دنیایش نماز بخواند بنده دنیاست... خداوند عاقبت گروهی را تغییر نمی‌دهد، مگر اینکه آنان خودشان تغییر دهند.

الصوفية لا بأس بها، لكنها دنيوية. وبركتها مسروقة من السماء .. يفتخر الصوفية بأن علمائهم يمشون على الماء، ما الفائدة؟

اشکالی بر صوفیه نیست، ولی آنان دنیوی هستند، و برکت آنان از آسمان دزدیده شده است... صوفیه افتخار می‌کنند که علمایشان روی آب راه می‌روند، فایده‌اش چیست؟

سؤالي: أين توحيد الله في رسالتك، ما تقوم به هو إثبات لذاتك، لقد قالها موسى أنا أعلم الناس فاخرج الله له الخضر(ع). والخضر ليس أعلم من في الأرض وقد صرح بهذا، وقال ما أتيت هذا بعلم من عندي. العلم بشيء ليس نهاية

المطاف .. والهدف منه معرفة الله .. والإيمان به والسعادة لا تكون بالعلم بل السعادة بمعرفة الحقيقة، وكل من قرب منها ابتلاه الله وأبعده عنها وفتنه.... ولا ينجح إلا القليل القليل .. والنجاح أمر عظيم، ويعني أن الله سيكون يده التي يبطش بها وسمعه وبصره وكل ما يطلب من الله يعطيه ... وبمعنى آخر يقبله الله.

سؤال: توحيد خداوند در رسالت شما کجاست، آن چه بیان نمودی برای اثبات خودت است، موسی این سخن را گفت که من اعلم تر از مردم هستم و خداوند خضر(ع) را برای او بیرون آورد، و خضر داناترین مردم روی زمین نبود و خودش بدان تصریح کرد، و گفت: و من این مطلب را از روی علم خود نیاوردم. علم به چیزی آخرین مرحله نیست ... و هدف از آن شناخت خداوند است... و ایمان به آن و سعادت با علم نیست، بلکه سعادت با شناخت حقیقی است. هرفردی به آن نزدیک شود خداوند او را مورد آزمایش قرار می دهد و او را از آن دور می کند و او را می آزمايد... و فقط عده اندک و اندک پیروز می شوند... پیروزی مسئله بزرگی است، یعنی: خداوند دست او می شود که به واسطه آن ضربه می زند، و گوشش و چشمش می شود، و هرچه از خداوند درخواست کند خداوند به او می دهد... و به معنای دیگر خداوند او را قبول می کند.

سؤال الثاني: بعيد عن التوحيد .. إن أجبت عليه فأنت صاحب رسالة. عندما يتوفي الله الأنفس في منامها ويقبض أرواحها ما الذي يبقى بالجسد، الروح أمره عند الله لكن أنا أسألك عن الجسد، ما هو الفرق بين الميت والنائم كلاهما بلا روح فكيف يعيش الأول ويموت الثاني بقدرة الله.

المرسل: عبد الله آل حقیل - السعودية

سؤال دوم: دور از توحيد است... اگر پاسخ دهید شما صاحب رسالت هستيد، زمانی که خداوند نفس ها را در خواب می گیرد و روح های آنان را می گیرد، چه چیزی در جسد باقی می ماند، مسئله روح نزد خداوند است، ولی من از جسد از شما سؤال می کنم،

فرق بین مرده و فرد خواب چیست، هر دوی آنان بدون روح هستند، پس چگونه فرد اول زندگی می‌کند و دومی به قدرت خداوند می‌میرد.

فرستنده: عبد الله آل حقیل - عربستان.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

۱- الإمام المهدي (ع) إمام وقائد أهل الأرض جميعاً، والإمام والقائد لا بد أن يكون أعلم الناس في القرآن والعقائد والفقہ وسياسة البلاد والعباد...، فلا يمكن التفريق بين الإمامة والأعلمية، فالإنسان كلما كان عالماً بمهنة ما يكون رجاء نجاحه في مهنته أكثر، فأنت عندما تريد بناء بيت لعيالك يكون مأوى لهم في بقية حياتهم تكون حريصاً على أن تختار أمهر البنائين بنظرك، ولا أعتقد أنك تستطيع أن تقنع حتى طفلك الصغير بحكمتك عندما تختار غير الأمهر ويزداد الطين بلة عندما ينهار البيت بسبب قلة خبرة البناء.

جواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

۱- امام مهدي (ع) امام و رهبر همه زمين است، و امام و رهبر بايد از همه مردم در قرآن و عقايد و فقه و اداره شهرها و بندگان آگاهتر باشد... و نمى توان بين امامت و اعلميت جدايى انداخت، و هر گاه انساني ميزان دانايي اش به حرفه‌اي بيشتتر باشد، اميدواري بيروزي وي در حرفه‌اش بيشتتر خواهد بود، شما وقتى مى‌خواهيد براى خانواده‌ات ساختمانى بسازيد محل مناسبى در طول زندگى آنان باشد، آيا به نظرت در انتخاب ماهرترين بناها حريص نخواهيد بود، و فكر نکنم توانايى قانع کردن حتى

کودک کوچک را نسبت به حکمت خود در انتخاب بنای غیر ماهر را داشته باشید، و وقتی ساختمان به خاطر کمبود آگاهی بنا خراب شود، کار بدتر می‌شود.

هذا على مستوى بيت صغير فكيف بمملكة الله تعالى، ما هي الحكمة المتوخاة عندما يوكلها إلى ملك جاهل ويترك أعلم خلقه؟!

این درمستوای خانه کوچک، چه برسد به مملکت خداوند متعال، حکمت چیست زمانی که خداوند آن را به پادشاه نادان بدهد و داناترین آفریده هایش را ترک نماید؟!

قال الله تعالى: (... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ) [389].

خداوند متعال می‌فرماید: (... بگو: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟) «تنها خردمندانند که پندپذیرند» [390].

وقال تعالى: (... أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ) [391].

و خداوند متعال می‌فرماید: (... پس، آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌یابد مگر آنکه هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟) [392].

وأما قولك بأن أجداد الإمام المهدي (ع) لم يفسروا القرآن فهو من أغرب الغرائب، كيف لا وهم عدل القرآن وترجمانه وأحد الثقلين الذي خلفهما رسول الله (ص) لهداية الأمة، فراجع مثلاً كتاب البرهان في تفسير القرآن، وكتاب تفسير القمي، وغيرها، تجد الكم الهائل لروايات أهل

البیت (ع) فی تفسیر القرآن الکریم رغم قلة أعمارهم والظلم الذي تعرضوا له وكم الأفواه من قبل الطواغيت ومحاربتهم ومحاربة أتباعهم في كل مكان وزمان، والإمام المهدي (ع) هو من سيتم تفسير وتأويل القرآن ويطبقه على أرض الواقع كما بشر بذلك الرسول محمد (ص) وأهل بيته (ع).

ما این سخن شما که اجداد امام مهدی (ع) قرآن را تفسیر نکردند، جزء مطالب عجیب است، چگونه این طور نباشد، درحالی که آنان هم تراز قرآن و ترجمان آن و یکی از ثقلین هستند که رسول الله (ص) برای هدایت مردم آن‌ها را به جای گذاشت. برای مثال به کتاب "البرهان فی تفسیر القرآن" و کتاب "تفسیر قمی" و غیر آن‌ها مراجعه کن، مقدار بسیاری از روایات اهل بیت (ع) را در مورد تفسیر قرآن کریم می‌یابید، به رغم این که عمر آنان کوتاه بود و ستم به آنان رسیده است، و مهر سکوت که از سوی طاغوت‌ها علیه آنان بوده و مبارزه با آنان و مبارزه با اتباع آنان در هر زمان و مکانی بوده است، امام مهدی (ع) فردی است که تفسیر و تاویل قرآن را به اتمام می‌رساند و آن را عملاً انجام می‌دهد، همان طور که محمد رسول الله (ص) و اهل بیت (ع) ایشان به آن بشارت دادند.

۲- أجاب السيد أحمد الحسن أحد الأسئلة المتعلقة بسؤالك في كتاب المتشابهات ج ۳ سؤال رقم ۱۱۹:

۲- سيد احمد الحسن (ع) در یکی از سؤالات کتاب متشابهات ج ۳ سؤال شماره ۱۱۹ که مربوط به سؤال شماست به آن پاسخ داده است:

هل للروح قابليتان وقسمان بأن قسم يبقى في الجسد أثناء النوم أو أثناء صلاة المؤمن، والقسم الآخر في السماء؟

آیا برای روح دو قابلیت است، به این که قسمتی از آن در هنگام خواب یا هنگام نماز مومن در جسد باقی می ماند، و قسم دیگر آن در آسمان است؟

وكان جواب السيد أحمد الحسن كالتالي: (الروح كالشمس، فإذا صعدت إلى السماء أو توافها الله في النوم بقي شعاعها متصلاً بالجسد يدبره) انتهى.

پاسخ سید احمد الحسن (ع) این است: (الروح كالشمس، فإذا صعدت إلى السماء أو توافها الله في النوم بقي شعاعها متصلاً بالجسد يدبره). (روح مانند خورشید است، وقتی به آسمان صعود می کند یا خداوند آن را در خواب می گیرد، شعاعی از آن متصل به جسد می ماند تا آن را اداره کند). پاسخ به پایان رسید.

ومنه نعرف أن الروح عند النوم لا تنقطع نهائياً عن الجسد، وأما عند الموت فهي تنقطع نهائياً ويبقى الإنسان جثة هامة.

از این سخن می فهمیم: روح موقع خواب به صورت کلی از جسد منقطع نمی شود، اما موقع مرگ به صورت کلی منقطع می شود و انسان مانند جثه ای خاموش می شود.

وفكك الله لمعرفة الحق ونصرته والثبات عليه.

اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (ممكن الله له في الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي - محرم
الحرام / ١٤٣١ هـ

خداوند شما را برای شناخت حق و یاری و ثبات بر آن موفق نماید.

هیئت علمی - أنصار امام مهدي (ممكن الله له في الأرض)

شيخ ناظم عقيلي
- محرم الحرام / ١٤٣١ هـ



[\[389\]](#) - الزمر: 9.

[\[390\]](#) - زمر: 9.

[\[391\]](#) - يونس: 35.

[\[392\]](#) - يونس: 35.